

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۴ می ۲۰۲۲

## "محب" و "یا غنی احمدزی"، کدام یک دیگری را بر زمین زد؟؟

(۲)

جمعه- ۲۳ ثور ۱۴۰۱ - کابل: ۴- هرگاه از این پیشفرض حرکت نمائیم که سقوط دولت دست نشانده و انتقال حاکمیت به طالب، کارهماهنگ، مشترک و سازمانیافته بین امپریالیسم امریکا و انگلیس و بقیه متجاوزان از طرق نوکران و عاملان استخباراتی آنها از قماش "غنی احمدزی" و "محب" نبود و این سقوط را خود این اشخاص سازماندهی و اجرائی نموده اند، سؤالی که پیش می آید این است: کدام یک از آنها به خصوص "غنی احمدزی" و "محب" زیر پای دیگری را خالی نموده، در واقع امروز و آینده طرف را خراب کرده است.

با در نظر داشت این که امپریالیسم امریکا و "سیا"، با به قدرت رساندن "غنی احمدزی" و بدنای هائی که نسل جوانتر وابسته به "سیا" از قماش "اکلیل حکیمی" و شرکاء به وجود آورده بودند می توان نوشت که برای "سیا" بقای "غنی احمدزی" در قدرت از طیف جواسیس تکنوکرات، تقریباً می تواند آخرین مهره آنها به شما برود. یعنی بیست ساله حاکمیت امپریالیسم امریکا بر افغانستان در عمل نشان داد که آنها در تمام بازه زمانی بحران افغانستان یعنی از نخستین روزهای کودتای خونبار ۷ ثور ۱۳۵۷ به بعد، علی رغم آن که از لحاظ نظامی در تخریب دشمنش "شوروی متوفا" موفقیت هائی داشت و علی رغم آن که از لحاظ سیاسی نیز قادر شاد بر مبنای همان پیروزی های نظامی، نوکرانش را در رأس قدرت سیاسی نیز قرار دهد، مگر در عمل از لحاظ تربیت کادر و نیروئی که بتواند منافع امپریالیسم امریکا را در افغانستان برای مدت‌های طولانی حراست نمایند، ناکام مانده بود. از همین رو ناگزیر بود برای ادامه سلطه به همان نیرو های روبه زوال و میرنده در سن و سال، "کرزی ها، غنی احمدزی ها و جلالی ها" تکیه نماید. چند بار تلاشی که جهت آوردن چهره های جدید و به اصطلاح جوان مانند "اکلیل حکیمی" به خرج داد، عملاً ثابت شد که آنها به همان سان که جهت تأمین منافع شخصی شان به افغانستان و مردمش خیانت نموده بودند، جهت تأمین همان منافع شخصی، هیچ نوع تعهدی به حفظ منافع امریکا در دراز مدت نیز ندارند.

عکس امپریالیسم امریکا و "سیا" دیده می شود که استعمار انگلیس و "ام. آی. ۶" در وجود ده ها تن از جوانان در مقایسه با متقاعدان امریکائی، مانند "محب، اتمر، ویس برمک" و بقیه کادر لازم را برای آینده نیز در اختیار داشتند. با در نظر داشت این خصوصیت دیده می شود که "غنی احمدزی" و "سیا" در انتقال قدرت حداقل در این مرحله چیزی برای از دست دادن نداشتند، مهره های آن ها همه سوخته و کارتهای بازی شان خاتمه یافته بود در حالی که مهره های

انگلیس علی رغم آن که در بدنامی ها با "غنی احمدزی" شریک بودند و هستند مگر از آنجائی که در رأس قدرت قرار نداشتند، می توانستند به بازگشت و احیای مجدد خویش خوشبین باشند.

بناء گفته می توانیم که در انتقال قدرت صرف نظر از نقش افراد، این "سیا" بود که با مهره های فرسوده و سوخته خود، مهره های "ام. آی. ۶" را نیز به زیر کشید و همان اصلی که گوید "وقتی به من نرسد نمی گذارم به تو هم برسد" را عملی نمود.

۵- و به ارتباط برنامه های آینده:

تا جائی که دیده می شود انگلیس و استخبارات خارجی آن "ام. آی. ۶" بعد از مدتی وقفه و سکوت و تاحدی انتظار عملکرد از جانب امریکا، سرانجام خودش تصمیم گرفت تا با دعوت از "حمد الله محب" به یکی از زیر مجموعه های استخباراتی اش جهت ارائه یک کنفرانس در مورد چرائی سقوط حاکمیت پوشالی گذشته تقریباً با یک تیر چند نشان را بزند:

\*- ورود مجدد و فعال خودش را در عرصه سیاست افغانستان با درگیری از اشتباهات گذشته اعلام دارد؛

\*- به تمام جهان من جمله مردم افغانستان اعلام دارد که "محب" مهره اش، تا هنوز نسوخته و می باید در آینده به حساب آید؛

\*- حنا اگر شرکای اروپائی اش با وی همیاری و همکاری نکند، به تنهایی و به کمک پاکستان که با آمدن "شهباز شریف" مجدداً به مدار هفتاد ساله اش برگشته، اقداماتی را رویدست خواهد گرفت.  
هموطنان گرامی!

هر چند در این اواخر امپریالیسم امریکا و "سیا" از جمع جواسیس تکنوکرات دست کسی را بلند ننموده اند، مگر تبلیغاتی که در سرتاسر افغانستان و حنا رسانه های بین المللی برای "انس حقانی" صورت می گیرد به خصوص رسانه هائی چون طلوع که رابطه اش با سفارت امریکا در کابل، روشنتر از آفتاب است عملاً به ارگان تبلیغاتی "انس حقانی" تبدیل شده اند، این گمان را تقویت می نماید که امپریالیسم امریکا این بار جهت تأمین سلطه اش بر برادران حقانی به خصوص "انس حقانی" سرمایه گذاری خواهد نمود.

این که در دراز مدت، "محب" و "انس حقانی" چگونه همکاری با یک دیگر را سازمان خواهند داد، هر چند می شود بوی گند آن را از همین اکنون احساس نمود، مگر چگونگی آن مسأله ایست که آینده روشن خواهد نمود. با آنهم همین حالا با قاطعیت می توان حکم نمود که امریکا و انگلیس در آینده با همین دو کارت به بازی باز خواهند گشت.

**مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل**

**و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد**

**تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!**